

بررسی صلح جهانی در اندیشه سعدی و خواجه نصیرالدین طوسی

علی محمد موذنی^۱

محمد جواد جوادی ارجمند^۲

پروین کوشکی^۳

چکیده

«پدیدار شدن صلح حقیقی برای بشر» گزاره ای است مهم که از دیرباز دغدغه محققین بوده و اکنون بر بستر جهانی شدن، ناامنی و آشوب گوی سبقت از فرهنگ مدارا و تسامح ربوده است و برخلاف مطلوب انسان هزاره جدید که در سایه سار فرهنگ جهانی، صلح و آسایش را می جست اکنون سیطره جنگ را شاهد است. درفتنه جنگ و آشوب های «کم شدتی»^۴ که با چاشنی ایدئولوژی همراه است و سمت و سوی تحول جهان نیز یکپارچگی است آیا امنیت موسّع می تواند در جهان عالم گیر شود و صلح پایدار بر همه شئون جهان مستولی گردد؟ و زیرساخت ها و ملزومات آن در کدام اندیشه و باور نهفته اند؟ سعدی و خواجه نصیرالدین طوسی که در عصر سیطره مغول، صلح، مدارا، تسامح و عدالت را ترویج کردند و براین منوال سعدی صلح را مبتنی بر امنیت و حاکم عادل مشروط می کند و رابطه صلح با عدالت را مستقیم و حتی شرط ضروری می داند. محقق طوسی نیز صلح و جهانی سازی آن را مبتنی بر عدالت و حاکمان حکیم می داند و معتقد است که «قوت فکر ملک در حراست ملک بلیغ تر از قوت لشکر های عظیم باشد». این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و با تکنیک کدگذاری باز به سامان آمده است و براساس باورهای دو اندیشمند ایرانی، ایجاد صلح در اجتماع و جهان بر بستر فرهنگ تسامح و مدارا ممکن و الزام دولت ها به مشی تساهل و دوری از نقض عهد در این مسیر برای غلبه بر فرهنگ خشونت سازمان یافته که بر سازه ایدئولوژی که برساخته دولت ها است ضروری می نماید.

کلید واژه ها: صلح، مدارا، صلح درونی، تصوف، صلح پروری

۱. استادیار ادبیات فارسی دانشگاه تهران

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

p.koshki54@gmail.com

4. Low-intensity warfare

جستار گشایی

آیا جهان به سمت یکپارچگی در حرکت است؟ آیا تغییرات پر سرعت اجتماعی، سیاسی، ژئوپلیتیکی و ... جهان را یکپارچه خواهد کرد و آیا موضوعات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، نظامی، حقوقی، تحقیق و توسعه و ... با رویکرد همبستگی در تغییر هستند؟ اگر سمت و سوی تحول جهان یکپارچگی است آیا امنیت موسّع در جهان عالم گیر خواهد شد و صلح پایدار بر همه شعوب جهان مستولی خواهد گردید؟ گیدنز معتقد است که معنای جهانی شدن این نیست که جامعه جهانی در حال یکپارچه شدن است برعکس این پدیده در برخی ابعاد با تفرق و پراکنده شدن روبرو است تا اتحاد و یکپارچگی؛ به عبارت دیگر جهانی شدن فراگردی همگن ساز نیست بلکه فراگردی تفکیک ساز است و همه چیز را با هم به صورت یکدست توسعه نمی دهد و پیامدهایش به هیچ وجه بی خطر نیست و از آن هم گریزی نیست (گیدنز، ۱۳۸۷، ص. ۱۰) در هر صورت آنچه که در شرایط جهانی شدن یا در تفکر جهانی مهم است گزاره: "پدیدار شدن صلح حقیقی برای بشر" است.

دیدگاه های دو اندیشمند بزرگ ایرانی یعنی شیخ اجل سعدی و محقق طوسی در ابعاد مختلفی جهانی است و به ویژه در زمینه صلح جامع و پایدار، آنها جهانی می اندیشیده اند. شاه بیت تفکر سعدی در زمینه جهانی اندیشیدن را از این بیت می توان یافت:

بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش زیک گوهرند

دیدگاه جهانی سعدی زمانی مطرح گردیده که شرایط حاکم بر دنیا بسیار متفاوت از حال بوده و با سیاست کنونی حاکم بر دنیا فاصله داشته است. عصر سعدی که مقارن با جنگ های صلیبی بود و فتنه ها و کارزار نزاع مذهبی جهان اسلام و مسیحیت را درنور دیده بود، خونریزی و تشجیع به کشتار و قتل های جمعی و فتح سرزمین ها نه تنها مذموم نبود بلکه شجاعت را معنا می نمود، در این ایام گفتار صلح و اخلاق به ویژه در مقابل دشمنان می توانست خطای بزرگی باشد، اما در میان فتنه ها، اندیشه سعدی با تکیه بر احادیث برادری پیامبر (ص) که مسلمان و کفر و مومن و ترسا و موحد و مشرک را با یکدیگر برابر می ساخت دعوت به مروت و جوافردی و رعایت آداب و اخلاق را پیشه ساخت، سعدی تیغ زبان را دوست داشت در دنیا وسیله ایجاد صلح و سلم و آسایش سازد و از اینکه نبوغ بی ماندش بی سرو صدا و به صورت قاچاق از هر مرزی عبور می کرد تعجب نداشت. " (زرین کوب، ۱۳۸۳، ص. ۲۷ و ۵۸) اما امروز سیاست بین الملل بر روابط سیاسی دولت های حاکم، در جهانی فاقد حکومت، ولی نه هرج و مرج آمیز، تمرکز دارد (گارنت، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۸) در شرایط جدید زمینه برای ترویج افکار سعدی فراهم تر است و این جهان بی شک بیشتر پذیرای تفکرات سعدی و مانند او است.

خواجه نصیرالدین طوسی (۶۵۳-۵۷۹ ه.ق) یکی از پیشگامان صلح پژوهی است که در چارچوب

فلسفه خود به تبیین صلح پرداخته است. شیخ طوسی نیز که هم عصر سعدی است با فتنه مغول روبروست و در گامی جلوتر ناچار است که حاکمان خون آشام مغولی را نیز تحمل و ایران را از یوغ ستم آنان نجات دهد و دیدگاه جهان شمول و صلح جوی خود را حاکم نماید. از دیدگاه وی صلح موضوعی دست یافتنی است و امکان گسترش آن در جامعه و جهان میسر است. مرحله‌ای که خواجه برای ایجاد صلح در جامعه پرداخته است شامل صلح درونی و فضایل انسانی ارتقادهنده نفس و تقویت قوه امنیت انسان است و منابع ادراکی انسان برای صلح درون از دیدگاه وی قانون حفظ صحت نفس در مقابل ناامنی است. محقق طوسی در نهایت ضمن برشمردن اصول صلح پروری به تبیین مؤلفه های ضد صلح که می توانند امنیت و صلح را تحت تأثیر قرار دهند پرداخته است.

نگاه صلح جوی دو اندیشمند بزرگ ایرانی در حقیقت دیدگاهی امنیت پرور و جهان گرا را به نمایش می گذارند که در عهد جهانی اندیشی می توانند زندگی پر از مخاطره و عدم قطعیت بشریت را مشحون از نگاه صلح خواهی که متکی بر محبت، احسان و دوستی است نماید و خلاء معنویت موجود در اندیشه جهانی شدن را پر نماید.

پیشینه تحقیق

قرگزولو (۱۳۸۳) در مقاله «جنگ و صلح از مزغل سعدی» شرط تحقق صلح را تحمل و تساهل و مقدمه وصول به مدارا و تسامح را عقل می داند. وی می گوید: به نظر سعدی وقتی عقلانیت مقهور خشم و کینه توزی شود فرجام کار به میدان منازعه و لشکر کشی فرود می آید.

فرانک سلیمانی (۱۳۸۸) در مقاله ای تحت عنوان «جلوه های صلح و بشر دوستی در اشعار مولانا، حافظ و سعدی» به بحث صلح، جنگ، خشونت و نزاع سیاسی می پردازد و برای بهبود وضع موجود، بهره گیری از ظرفیت های فکری، فرهنگی برای استقرار صلح پایدار را ضروری می داند.

کتابی (۱۳۹۰) در مقاله «جلوه های مدارا در آثار سعدی» شاخص های مدارا را در دو گروه دسته بندی می کند الف- شاخص های مربوط به انگیزه و زمینه مدارا و ب- شاخص های مربوط به جلوه ها و آثار مدارا ایشان نقش موثر خودشناسی در ایجاد روحیه مدارا ضروری می داند.

قاسمی حاکم، رضانی ملیحه. (۱۳۹۱) در مقاله «جهان گرایی در اندیشه و آثار سعدی» غایت آرزوی سعدی تفاهم میان ملت ها و از بین رفتن خصومت ها از جوامع انسانی است. او بشارت دهنده صلح و آشتی است.

امیر هوشنگ میر کوشش و شهرزاد نوبی صفا (۱۳۹۲) در مقاله ای بنام «هستی شناسی صلح بین الملل در بستر فرهنگ مدارا و صلح ایرانی» به موضوع صلح پرداخته و مواردی مانند صلح درون، صلح منفی، صلح مثبت و راههای وارد شدن در صلح را نیز بیان می دارد و در سایه پژوهش ها به این نتیجه می رسد

که غنای ادبیات ایران در حدی است که صلح و مدارا از آن قابل استنباط و استخراج است..
اعوانی (۱۳۹۳) در مقاله "نقش فیلسوف در ایجاد صلح مقایسه دیدگاه خواجه نصیر و کانت" ایده اصلی خواجه نصیر از جامعه اسلامی، جامعه ای حکیم سالار یا خبره سالار می‌داند و ویژگی های حکیم حاکم را عادل بودن و عدالت را بنیادترین و استوارترین ویژگی های روح انسانی و جامعه مدنی می‌داند. خواجه نمونه حکیم حاکمی است که فتنه و خونریزی را به رافت و صلح تبدیل کرد. از نظر خواجه نصیر اصل، صلح است و جنگ استثنا است برقراری صلح و امنیت از ضروریات مدینه اسلامی است قلوب افراد این مدینه به مصالحه و انس و عشق به یکدیگر آراسته است.

امیر محلاتی (۱۳۹۷) در مقاله «صلح در سپهر اندیشه سعدی» رویکرده صلح را در سه ساحت اخلاق مهار جنگ، اخلاق عفو و اخلاق دوستی بررسی می‌کند اخلاق مهار جنگ نخستین گام در صلح سازی می‌باشد و این ساز و کار ما را حداکثر به نقطه آتش بس می‌رساند سیاست عفو یعنی کینه توزی نکنند که همبستگی متقابل میان کشورها جایگزین آن شده است صلح گرم نیاز به مبانی نظری استواری دارد که از دل فرهنگ بر می‌خیزد.

مدامی روح الله، نجفی؛ افرا (۱۳۹۸) در مقاله «حکمت و صلح از دیدگاه خواجه نصیر» بیان می‌کنند: خواجه به اخلاق اجتماعی توجه داشته و سیاست را ابزاری برای تعالی اخلاقی و عملی انسان ها قرار می‌دهد و صلح جهانی را با اتکا بر آن در دسترس می‌داند خواجه مراتب کمال را در کسب معرفت و در ساحت علم، عقل و وحی می‌داند.

مبانی نظری (بحث و بررسی)

مفاهیم و اصطلاحات

تعریف صلح: دهخدا صلح را در مقابل جنگ می‌داند و از صلح به معنای نبود جنگ تفسیر می‌نماید. (صارم، ص. ۵) سنت آگوستین صلح را «نظم در آرامش» تعریف می‌کند. همچنین صلح مقوله ای متضاد با جنگ تعریف می‌شود. به عبارت دیگر «حالت صلح، حالت ملتی است که در جنگ نیست» (بوتول، ۱۳۸۸، ص. ۳۶)

صلح حداقلی: صلح منفی یا صلح حداقلی یعنی عدم جنگ و خشونت دسته جمعی سازماندهی شده. هرگاه کشوری مورد تهدید، توسل به زور یا اعمال خشونت و تجاوز قرار نگیرد، صلح تحقق یافته و تمام تلاش دولت ها در قالب حقوق و مقررات بین المللی این است که از بروز چنین وضعیتی جلوگیری به عمل آورند و یا اگر چنین وضعیتی پیش آمد به خاموش کردن شعله های جنگ و اعاده صلح از طریق آتش بس مبادرت ورزند. چنین برداشتی از صلح را گالتونگ^۱ صلح منفی می‌نامد.

صلح حداکثری: صلح مثبت یا حداکثری به معنی استقرار نظام اجتماعی - انسانی است که در بر دارنده سه

1. Galtung

مشخصه اصلی: فقدان اعمال زور، آزادی فردی و برابری اجتماعی است.^۱ (میرکوشش، نوری صفا ۱۳۹۲: ۱۷)

صلح پایدار: کانت در چارچوب فلسفه تاریخ خود، شرایط لازم و کافی برای صلح پایدار را جزء به جزء توصیف می‌کند: در مرحله نخست، نظم قانونی در هرکشوری برقرار می‌شود، در مرحله دو حقوق و قوانین بین الملل بر روابط دولت‌ها حاکم می‌شود و در مرحله سوم و نهایی نظامی جهانگیر و جهان-میهنی فرامی‌رسد که در آن آدمیان و حاکمان آن‌ها شهروندان یک دولت جهانی به شمار می‌روند که تمامی انسانیت را در بر می‌گیرد (کانت، ۱۳۸۰، ص. ۴۵-۴۶)

صلح درونی: صلح درون یگانه مقدمه‌گرنیز ناپذیر صلح بیرون است. به تعبیر دیگر اگر صلح درونی در انسان وجود نداشته باشد همه فعالیت‌های دیگر که برای استقرار صلح صورت می‌گیرد، بدون ثمر خواهد بود و نهایتاً این فعالیت‌ها صلحی شکننده و موقت به بار می‌آورد (ملکیان، ۹۷، ص. ۱۲) زمانی که انسان به صلح درونی و نفسانی نایل می‌گردد و عقل عملی تسلط و تدبیر همه قوا را بدست گرفته و آن‌ها را در مواضع شایسته و در خور بنحو اعتدال بکار گیرد، کمال انسانی حاصل شده و فساد در نظام بشری ایجاد نخواهد شد. (جعفری ولنی، ۱۳۹۳، ص. ۳۱۶)

امنیت: برخی اهل لغت، امنیت را ضد خوف دانسته‌اند. صاحب نظران دانش سیاسی، تفسیرهای مختلفی کرده‌اند که به نظر جامع‌ترین آن‌ها تعریف آرنولد ولفرز باشد او در این باره می‌نویسد: امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را تعیین می‌کند. (موسوی کاشری، ۱۳۸۸، ص. ۵۳)

حکمت عملی و نظری: حکمت در عرف اهل معرفت عبارت بود از دانستن چیزها چنانکه باشد و قیام نمودن به کارها چنانکه باید، به قدر استطاعت، تا نفس انسانی به کمالی که متوجه آن است برسد، و چون چنین بود حکمت منقسم بود به دو قسم: علم و دیگر عمل. علم تصور حقایق موجودات بود و تصدیق به احکام و لواحق آن چنانکه فی نفس الامر باشد به قدر قوت انسانی، و عمل ممارست حرکات و مزاولت صناعات از جهت اخراج آن چه در حیز قوت باشد به حد فعل، به شرط آنکه مودی بود از نقصان به کمال بر حسب طاقت بشری. (طوسی خ. ن.، ۱۳۶۹، ص. ۳۷)

جهانی شدن: عبارت است از درهم فشردن جهان و تبدیل آن به مکان واحد. جهانی شدن به این معنا حرکتی منحصر به دنیای معاصر نیست، هر چند یکی از قالب‌های جهانی شدن که قالب معاصر باشد به خاطر جهشی که در فرآیند در هم فشردن جهان ایجاد کرده است جای شاخص و وجه خاصی دارد. (رایسون، ۱۳۸۲، ص. ۱۲)

۱. در صلح مثبت یا ابتدایی مناقشه وجود ندارد و ابتدائاً ورود می‌کنیم، صلح ابتدایی به صلح مثبت نزدیک است. صلح ابتدایی به دو قسمت: صلح با خویش و صلح با دیگری تقسیم می‌شود صلح با دیگری به دو بخش: زیر ملی و فرا ملی. فرا ملی صلح نه برای حذف دعوا یا خواباندن دعواست، صلح برای اینکه امکان همزیستی را افزایش دهد و دارای قراردادهایی است. متفکران، شیعه برای این قراردادها دو شرط گذاشته‌اند: از سر آزادی باشد و سودمندی داشته باشد مخالف نص صریح شریعت نباشد پس صلح ابتدایی درمضان دعوا نیست برای کیفیت زندگی و صیانت از اصل زندگی است این صلح حدی ندارد به خلافت صلح باز می‌گردد. (داود فیروجی، "تأملی در مفهوم صلح و صلح ابتدایی" سال ۱۳۹۶ انجمن علمی مطالعات صلح ایران)

سعدی

اصالت صلح از نگاه سعدی

نگاه ابتدایی سعدی به صلح، ترک خصامه می‌باشد که درحقیقت صلح حداقلی (منفی) مد نظر است. این نوع صلح در زمان و مکانی جاری می‌گردد که فتنه‌ها بالا گرفته است و احتمال گسترش جنگ و خونریزی در بلاد اسلامی و غیر آن متصور است. لذا ترک جنگ تحت هر عنوانی اولی است:

اگر پیل زوری وگر شیر چنگ به نزدیک من صلح بهتر که جنگ (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۱)
در گام بعدی صلح و آرامش در جامعه که صلحی عمیق تر می‌باشد مد نظر اوست که در مقابل دشمن و با در ارتباط حاکم و رعیت مورد تأکید قرار می‌گیرد:

گرفتم که دشمن بکوبی به سنگ مکن باری از چهل با دوست جنگ (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۳۱۵)
طریقی به دست آر و صلحی بجوی شفیع برانگیز و عذری بگوی
فراشو چو بینی در صلح باز که ناگه در توبه گردد فراز (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۳۵۴)
با مردم سهل خوی دشخوار مگوی با آنکه در صلح زند جنگ مگوی (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۳۰)
غایت آرزوی سعدی تفاهم میان ملت‌ها و از بین رفتن خصومت‌ها از جوامع انسانی است او بشارت دهنده صلح و دوستی است. این بیت سعدی شاهکار پیام صلح به تمامی سیاستمداران دنیاست. (قاسمی، رضانی ۱۳۹۱: ۴۵)

به مردی که ملک سرا سر زمین نیززد که خونی چکد بر زمین

سعدی در اثبات اصالت صلح در بوستان معانی متنوعی از صلح و آشتی ارائه می‌دهد و دایره آن را از صلح میان دو خصم تا صلح میان بنده و خدا بالا می‌برد. او در داستان پادشاهی که به بیماری رشته دچار شده و به ضعف جسمانی مبتلا گردیده بود این نتیجه را به دست می‌دهد که صلح میان بنده و خدا منجر به صلح میان بندگان می‌گردد (سلیمانی، ۱۳۸۸)

برتوست پاس خاطر بیچارگان و لشکر برما و برخدای جهان آفرین جزا

ازدیدگاه سعدی بهره‌گیری از فنون دیپلماسی و مذاکره سبب می‌شود که حاجت به بهره‌گیری از نیروی سخت نباشد و بسیاری از اختلافات و تنش‌ها را از این طریق می‌تواند فروکاست و جامعه را از ورطه درگیری‌های نظامی نجات داد:

با آنکه خصومت نتوان کرد بساز دستی که به دندان نتوان برد بیوس (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۸۷۳)
سعدی چو سروری نتوان کرد لازم است با سخت بازوان به ضرورت فروتنی (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۵۳۹)
اگر چه سعدی در اثبات اصالت صلح، ابتدا صلح حداقلی و ترک هر نوع خصامه را مورد توجه قرار می‌دهد اما غایت توصیه‌های او وصول به صلح حداکثری است. دستیابی به این هدف در گرو تحقق

ابعادی است که در حقیقت زیرساخت های امنیتی اجتماع را شکل می دهد و دوام و پایداری صلح را تضمین می نماید.

ابعاد صلح حداکثری از دیدگاه صلح جوی سعدی
مدارا

مدارا از الزامات حکومت داری، و امنیت زایی است. هر حاکم و حاکمیتی با مدارا می تواند زمینه توسعه انسانی و مدنی را فراهم و پایه های حکومت داری را مستحکم نماید. خشونت و تندی در جامعه زیرساخت های توسعه انسانی را تحت تأثیر قرار می دهد و بستری برای ایجاد بزه هایی که اساس جامعه را با جدال و چالش مواجه می نماید فراهم می کند. در نصیحه الملوک سعدی آمده است: دین را نتوان نگاه داشتن الا بعلم و حکم الابلعم (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۵۲)

همی تا برآید به تدبیر کار مدارای دشمن به از کارزار (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۱)
و یا "با دوست و دشمن طریق احسان پیش گیر که دوستان را مهر و محبت بیفزاید و دشمنان را کین و عداوت کم شود (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۴۸):

تحمّل کند هر که را عقل هست نه عقلی که خشمش کند زیر دست (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۵۳)
به نرمی ز دشمن توان کرد دوست چو با دوست سختی کنی، دشمن اوست (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۵)
سعدی به حکم اندیشه توحیدی و اسلامی و مشرب عارفانه و سعه صدری که دارد بسیار انسان دوست است او انسان را به عنوان خلیفه الله می شناسد... او معتقد است که جامعه انسانی در حکم تن و پیکر واحد است (نوبین، مرادگنج، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۷-۱۰۸) روحیه مدارا و تساهل سعدی تا حد زیادی از نوع دوستی کم نظیر و شگفت انگیز او که از هر گونه وابستگی قومی، ملی، مذهبی، نژادی و... فارغ است نشأت گرفته و متقابلاً در آن جلوه گر شده است. سعدی به تمام انسان ها صرف نظر از متعلقات آنها، صادقانه عشق می ورزد و همه آنها را به منزله اجزای یک مجموعه یا اعضای یک پیکر - خانواده بشری - تلقی می کند (کتابی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۰)

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند^۱ (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۴۷)
کم آزاری^۲

در فرهنگ ایرانی و در آثار فاخر ادب فارسی کم آزاری سبب جلوگیری از ظلم و ایجاد عدالت، اتحاد و یکپارچگی، نزدیکی دوستان و افزایش محبت، نرمی در جامعه و توسعه فرهنگ همزیستی مسالمت آمیز، ممانعت از ایجاد بدرفتاری هایی اجتماعی و ... می گردد، سعدی فاضلترین عبادات را کم آزاری می داند: یکی از ملوک بی انصاف پارسایی را پرسید از عبادت ها کدام فاضل تر است گفت تو را خواب نیمروز

۱. حدیث پیامبر (ص) ائمه المومنون کجسد رجل واحد اذا اشتكى عضوه من اعضائه اشتكى جسده اجمع (زین کوب غ.، ۱۳۷۹، ص. ۲۲۷)
۲. کم در ترکیباتی چون کم آزاری و کم التفاتی و کم اندیشی پیشوند منفی کننده است، جانشین بی، بنا براین کم اندیشی به معنی بی فکری ... و سرانجام کم آزاری به معنی بی آزاری است. (دادبه، ص. ۷)

تا در آن یک نفس خلق را نیازاری:

همای بر همه مرغان از آن شرف دارد که استخوان خورد و جانور نیازارد (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۵۱)
بد اختر از مردم آزار نیست که روز مصیبت کسش یار نیست (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۳۶)

نیکی

جهانی که سعدی در بوستان می‌جوید عالم ایمان به خداست و نیکی و صفا و راستی و پاکی و روشنی و حقیقت. این جهان برای ما آرزو و تصویر می‌آفریند از عالم، چنانکه باید باشد و در دلها این شوق را پدید می‌آورد که در راه ساختن جهانی بهتر و انسانی تر باید کوشید (یوسفی، ۱۳۵۰، ص. ۴۲۸) از نگاه سعدی نیکی به خلق و مفید بودن در جامعه و دست‌گیری از مردم، راه حق و حقیقت است و برای تقرب به خدا از در نیکی به مردم باید وارد شد. در این رویکرد همه مردم جهان زنجیره به هم پیوسته‌ای هستند که باید با دیده محبت و نیکی به آنها نگریست و از هیچ کمک و استعانت فروگذار نکرد. این جهان بینی حاصل و پیامدش رفع کدورت‌ها، جلوگیری از اختلافات، ممانعت از دست‌اندازی به اموال و سرمایه‌های دیگر مردم جهان، پرهیز از توطئه و حمله و کشتار دیگر ملل برای افزودن به سرمایه‌های ملی و... می‌گردد و آنچه که امروزه تحت عنوان منافع ملی برای کشورهای ستم‌گر موجب قتل و غارت دیگر مردمان جهان شده است در دیدگاه سعدی جایگاهی ندارد و صلح و آرامش و همزیستی مسالمت‌آمیز نتیجه تفکری است که نیکی به "خلق به ما هو خلق" را ترویج می‌نماید.

درون فروماندگان شاد کن ز روز فروماندگی یاد کن (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۴)

به احسان آسوده کردن دلی به از الف رکعت به هر منزلی (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۳)

وفای به عهد

سعدی وفای به عهد را زمینه ساز تداوم دوستی‌ها می‌داند و حتی اگر پیمان از ناحیه طرف یا طرف‌های مقابل مورد بد عهدی قرار گیرد ما ناقض دوستی‌ها نباید باشیم و وفای به عهد گزینه‌ای برای ایجاد صلح و آرامش جهانی می‌باشد:

گر سرم می‌رود از عهد تو سرباز نییچم تا بگویند پس از من که به سر برد وفا را (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۴)
بخشندگی

سعدی برای بخشندگی که برخاسته از گرایش‌های انسان‌گرایانه اوست اهمیت قائل است و حاصل آن حفظ الفت در میان دوستان و تبدیل دشمنی‌ها به دوستی و ایجاد سدی برای حفظ کشور از بدی‌های می‌دانند که حاصل این صفات نیکو و نهادینه شدن آن در جامعه و یا در سیاست حاکمان سبب امنیت زایی، آرامش و صلح‌پروری می‌گردد. در نصیحه الملوک آمده: دست عطا تا تواند گشاده دارد مگر آنکه دخل با خرج وفا نکند که بخل و اسراف هر دو مذموم است. (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۴۶)

کرم کن که فردا که دیوان نهند منازل به مقدار احسان دهند (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۶۴)

عفو^۱ و گذشت

عفو در نگاه کلی سعدی موجب تحکیم مودت است و پیامد اجتماعی آن ایجاد اتحاد و همگرایی در جامعه است. اساس تربیت او حکمت عملی و ذوق زندگی است، در نصیحت الملوک آمده است: گناهی که سهو از کسی آید، کرم آنست که در گذاری و اگر چنانکه به قصد آید نخستین بار بترسانی و اگر بار دیگر دلیری کند خونس بریزی که بیخ بد بار نیکو ندهد. به هنگام خشم گرفتن تعجیل نکند که زنده را توان کشت و مرده را باز زنده نتوان کرد چنانکه جواهر توان شکست و شکسته باز جای آوردن محال بود (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۵۵).

متاب ای پارسا، روی از گنهکار به بخشایندهی در وی نظر کن

اگر من ناجوانمردم به کردار تو بر من چون جوانمردان گذر کن (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۳)

عشق:

عشق که مایه غزل های اوست البته به جمال انسانی محدود نیست. روح، تقوا، طبیعت، خدا و سراسر کائنات نیز موضوع این عشق است (زرین کوب ع.، ۱۳۸۳، ص. ۹۱). عشق احیاگر دل هاست و دلیل خلقت است... دیده عاشق را سیر و جان وی را دلیر می کند، وی را از اسارت های گوناگون نجات می دهد چشم زیبایین به او ارزانی می کند و باعث می شود که انسان تمام عالم را دوست داشته باشد.

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

عشق، حرص و کینه و خودپرستی را در انسان از بین می برد و به او شادمانی ابدی و ازلی عطا می کند.

(باقی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۵)

حاکم صلح پرور

سعدی حاکم صلح پرور را برای گسترش عدالت ضروری می داند و به طور وضوح طرفدار پادشاهی و نظم است و می گوید "مهتری در قبول فرمان است" (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۴۳) و به این ترتیب اصلی سیاسی توأم بادستوری اخلاقی و عمومی را اعلام می کند. وی در اصلاح این نظام می کوشد و بر آن است که اگر پادشاه دارای صفات نیکو باشد و به تعبیر حکما به فضایل چند آراسته باشد، پادشاهی مطلوب و آرمانی خواهد بود. پادشاه باید متصف به صفاتی چون خردمندی، پارسایی، خداترسی، انصاف و شفقت ورزیدن باشد. (دادبه، ۱۳۸۴، ص. ۲۶-۲۷) در رساله پنجم (نصیحه الملوک) بیش از صدو شصت تذکر و اندرز مهم به پادشاهان و کارگزاران کشور می دهد و مهمترین موضوع رعایت اصول اخلاق سیاسی است که بالاترین مقام کشور که معمار ملک است باید خداترس باشد که در سایه آن کشور به امنیت خواهد

۱. ضد انتقام کشیدن عفو و بخشش است، خداوند عالم می فرماید: خذ العفو و امر بالعرف، یعنی طریقه عفو و بخشش را نگهدار و امر به معروف کن. (سوره اعراف آیه ۱۹۹)

رسید (جویباری، ۱۳۸۹، ص. ۱۱)

خدا ترس را بر رعیت گمار که معمار ملک است پرهیزگار (سعدی ۱۳۹۶: ۳۸)

از نظر سعدی خشنود نگه داشتن مردم سبب ایجاد امنیت و بقای حکومت است: پادشاهان به رعیت پادشاهند پس چون رعیت بیازارند دشمن ملک خویشند. (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۵۰) همچنین رسیدگی به ضعفای جامعه-پیران ضعیف و بیوه زنان و یتیمان و محتاجان و غریبان را همه وقت امداد فرماید که گفته اند: هر کس که دستگیری نکند، سروری را نشاید و نعمت بر او نیاید (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۴۶) و هر که بازرگانان را می‌آزارد در خیر و نیک نامی بر شهر و ولایت خود می‌بندد (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۵۵)

شهنشاه که بازارگان را بخست در خیر بر شهر و لشکر بیست

کی آنجا دگر هوشمندان روند چو آوازه رسم بد بشنوند؟ (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۳۸)

همچنین از نگاه سعدی حاکم صلح پرور به پشتوانه ارتش منسجم می‌تواند صلح را محقق کند. کما این که در نصیحه الملوک آمده است: لشکریان را نکو دارد به انواع ملاطفت دل به دست آرند که دشمنان در دشمنی متفقد تا دوستان در دوستی مختلف نباشد. (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۵۰) دلگرمی سربازان به حمایت های حاکم می‌تواند در توسعه صلح مؤثر واقع شود لذا لشکریان را که در جنگ عدو کشته شوند برگ و معاش از فرزندان و متعلقان اودریغ ندارند (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۵۱):

دلاور که باری تهور نمود ببايد به مقدارش اندر فزود

چه مردی کند در صف کارزار که دستش تھی باشد و کار، زار (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۳-۱۰۴)

تقدم امنیت بر صلح از دیدگاه سعدی

از دیدگاه سعدی امنیت می‌تواند صلح را در جامعه ایجاد نماید و پایه های حکومت را مستحکم نماید و از آسیب های نظامی و غیر نظامی جامعه را مصون دارد. برخی زیر ساخت های امنیت از نظر سعدی عبارتند از:

- اشراف بر کارکنان و شناسایی دشمن از دوست: زیردستان خدم را باید که نام و نسب بدانند و بحق المعرفه بشناسد تا دشمن و جاسوس و فدائی را مجال مداخلت نماند (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۴۹). نه تنها در دوره سعدی بلکه در همه اعصار آشنایی کامل حاکمیت با کارکنان و شناخت کافی از وضعیت آنان و براین اساس برنامه ریزی برای ارتقاء کارایی آنان لازمه حکومت داری و یا حکومت خوب می باشد: ارکان دولت و اعیان حضرت را باید که یکایک مشرف نهانی برگمارد تا نیک و بد هر یک معلوم کند. (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۴۹) از سوی دیگر سعدی معتقد است که ضمن هوشیاری باید با اقدامات پنهانی و اطلاعاتی از نیت دشمن آگاه بود زیرا دشمنان نهان کار هستند و غفلت سبب شکست می شود:

ببايد نهان جنگ را ساختن که دشمن نهان آورد تاختن (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۷)

ضرورت ایجاد ملک رازداری در جامعه:

منه در میان راز با هر کسی که جاسوس هم کاسه دیدم بسی
سکندر که با شرقیان حرب داشت در خیمه گویند در غرب داشت
اگر جز تو داند که عزم تو چیست بر آن رای و دانش بیاید گریست (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۱-۱۱۲)
سعدی برای حاکمان، ارتش و مردم دوراندیشی را ضروری می‌داند:

گرچه شاطر بود خروس به جنگ چه زند پیش باز رویین جنگ
گرچه شیر است در گرفتن موش لیک موش است در مصاف پلنگ (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۹)
از دیگر زیرساخت های امنیت پروری در جامعه مشروعیت و مقبولیت حاکمیت است: اگر حاکمیت از
مشروعیت و مقبولیت عمومی در نزد ملتش برخوردار نباشد، زمینه ای برای طمع ورزی دشمنان خارجی
فراهم می‌شود. اگر از دشمن بیرونی می‌ترسید و اگر می‌خواهید در برابر دشمن بیرونی به درستی مقاومت
کنید اولین شرط ایجاد رضایت مندی عمومی از حاکمیت است. (انصاری، ۱۳۸۱، ص. ۱۲)
نترسد آن که بر افتادگان نبخشاید که گر ز پای درآمد کسش نگیرد دست (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۴۷)
از مؤلفه های امنیتی مورد تأکید سعدی احتیاط و هوشیاری است: پیوسته چنان نشین که گویی دشمن بر
درست تا اگر ناکامی بدرآید ناساخته نباشی (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۵۸)

نگویم ز جنگ بد اندیش ترس در آوازه صلح از تو بیش ترس
عدم اعتماد بی دلیل و خوش باوری متناسب با امنیت و صلح جویی در جامعه نمی‌باشد:
بسا کس به روز آیت صلح خواند چو شب شد بر سر خفته راند
درتداوم توصیه های امنیت ساز، سعدی به مجازات برهم زندگان امنیت می‌پردازد و می‌گوید: «قطع دست
دزدان و قصاص خونیان به شفاعت دوستان در نگذارند. (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۴۷)
مبخشای بر هر کجا ظالمی است که رحمت بر او جور بر عالمی است
جفاییشگان را بده سر بباد ستم بر ستم پیشه است و داد (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۴)
سعدی در حکایت های شش و یازده، بیست و شش و هشت از گلستان انتقاد از ستم کاری
پادشاهان را به صورت مختلف دستمایه داستان پردازی خود می‌سازد. (قراگزلو، ۱۳۷۹، ص. ۹۳) و بکارگیری
مدیران با صلاحیت و انتخاب عاملان شایسته و تحقق شایسته سالاری را مورد دقت نظر قرار داده است
و عاملانی خداترس دادگر، و مداراکننده با مردم و... را توصیه می‌کند که با چنین تدبیر هایی راه اجرای
عدالت هموار شود (دادبه، ۱۳۸۴، ص. ۲۷)

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی برآورد غلامان او درخت از بیخ (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۶۰)
خدا ترس را بر رعیت گمار که معمار ملک است پرهیزگار (سعدی، ۱۳۹۶: ۳۸)

از دیگر شاخص‌هایی که برای امنیت مورد توجه سعدی است، انتخاب جنگ به عنوان آخرین اندیشه برای نجات جامعه از ناامنی است. زرین کوب دراین خصوص می‌گوید: شاهزادهٔ سعدی صلح جوست زیرا تا وقتی با تدبیرکار بر می‌آید لازم نمی‌بیند دست به شمشیر ببرد جنگ هم اگر چه وقتی از تدبیر کار بر نمی‌آید اجتناب ناپذیر است لیکن ضرورت آن وقتی است که برای حفظ صلح و امنیت بجنگد، در غیر اینصورت جنگ چه ضرورت دارد برای نگهداری یک ملک عاریت که مثل بازیچه کودکان دست به دست می‌رود. چگونه رواست که بیهوده خون انسانی ریخته آید (زرین کوب ع.، ۱۳۸۳، ص. ۹۹)

چو دست از همه حیلتی در گسست حلال است بردن به شمشیر دست
اگر صلح خواهد عذو سر میبچ وگر جنگ جوید عنان بر میبچ (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۱-۱۰۲)
با وجود توصیه سعدی برای جنگ به هنگام، گریز به هنگام را نیز تدبیر امنیتی می‌داند و آن را برابر با پیروزی در زمان خود می‌داند^۱

غنیمت شمردم طریق گریز که نادان کند با قضا پنجه تیز (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۳۹)؟
چو بینی زبردست را زوردست نه مردی بود پنجه خود شکست (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۳۳۰)
سعدی در جنگ امنیت ساز که جنگ ابتدایی است برای فرماندهان جنگ ویژگی‌هایی مانند خردمندی، شجاعت و تجربه را در نظر گرفته است:

خردمند باشد جهان‌دیده مرد که بسیار گرم آزموده ست و سرد
به پیکار دشمن دلیران فرست هژبران به ناورد شیران فرست
گرت مملکت باید آراسته مده کار معظم به نخواستہ
به گرمابه پرورده و عیش و ناز برنجد چو بیند در جنگ باز (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۴-۱۰۵)

ارتباط عدالت با صلح
سعدی ایجاد صلح را که بر پیش زمینه‌هایی مانند امنیت، حاکم و کارگزاران عادل مشروط می‌کند رابطه آن را با عدالت مستقیم و حتی شرط ضروری برای ایجاد صلح می‌داند. در همین رابطه آیین کشور داری در رویکرد سعدی مبتنی بر حاکمی است که عدالت پیشه باشد. سعدی به همین سبب نخستین و مهمترین باب کتاب خود را (بوستان) بدین موضوع اختصاص داده است. وی فرمانروایی را می‌پسندید که روی اخلاص بردگاه خداوند نهد. روز مردمان را حکم‌گذار باشد و شب بنده حق‌گذار: «نگهبانی و خلق و ترس از خدای» (یوسفی، ۱۳۵۰، ص. ۴۱۱)

سعدی ایجاد عدالت در جامعه را سبب امنیت، استقامت رعیت، و موجب آبادانی و رونق کشاورزی، کثرت قماش و غله و متاع، گسترش تجارت و پر شدن خزائن دولت، و پایداری نظامیان، فراخ در زندگی مردم و فراوانی نعمت در جامعه می‌داند. همچنین «نعمت دنیا حاصل و به ثواب عقبی واصل و اگر طریق

۱. امام علی (ع) القرار فی اوانه يعدل الظفر فی زمانه (جمعی از نویسندگان. ۱۳۹۳ ص: ۲۸۵)

ظلم رود برخلاف این است». (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۴۴)

منشا عدل و احسان که وی در سیاست لازم می‌شمارد نه یک قانون ساده و نه یک قرارداد اجتماعی، ترس از خداست و تسلیم به حکم او. پادشاه در نزد سعدی شبان است و البته خواب و غفلت وی ممکن است حیات و امنیت گله ای را که او بر آن مراقبت دارد تباه کند از این رو شاه را به هشیاری و مراقبت اندرز می‌دهد و از غفلت و تغافل بر حذر می‌دارد و تاکید وجود سلطان به رعیت بستگی دارد و بدون رعیت به هیچ کار نمی‌آید از این رو آن پادشاه که به رعیت ستم روا می‌دارد در واقع خانه خویش را خراب می‌کند (زرین کوب ع.، ۱۳۸۳، ص. ۹۹)

الا تا نییچی سر از عدل و رای که مردم ز دست نییچند پای

گریزد رعیت ز بیدادگر کند نام زشتش به گیتی سمر (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۳۷)

عدالت سعدی منعطف و ناظر بر بهره مندی عموم مردم از مواهب حکومت می‌داند، در این باب سعدی از موضع جامعه شناسی پخته و کارآمد به نقد آسیب شناسی اجتماعی و تحلیل دلایل رکود اقتصادی و قحطی ماندن خزانه دولت می‌پردازد. و از قول وزیر ناصح به پادشاه ظالم هشدار می‌دهد که پادشاه را کرم باید تا برگرد او آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند (قراگوزلو، ۱۳۷۹، ص. ۹۵)

پادشاهی که طرح ظلم افکند پای دیوار ملک خویش بکند (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۸۸۰)

پادشاهی که یار و درویش است پاسبان ممالک خویش است (سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۸۸۴)

تباین نزاع و خونریزی با صلح در نگاه سعدی

سعدی تبختر و نخوت و جنون خونریزی را یکی از ویژگی های اصلی خودکامگان می‌داند و معتقد است حاکمان خردمند عقل مدارو اهل مدارا و گفتگو هستند. فقط از طریق تحمل می‌توان از نابودی جهان در فراسوی میزهای درهم شکسته مذاکره پیشگیری کرد، شرط چنین فرایندی وجود عنصر عقلانیت است:

سر پر غرور از تحمل قهی حرامش بود تاج شاهنشهی (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۵۳)

سعدی شرط تحقق صلح را تحمل و تساهل و مقدمه وصول به مدارا و تسامح را عقل می‌داندست. به نظر او وقتی عقلانیت مقهور خشم و غرور و کینه توزی قدرتمندان می‌شود فرجام کار به میدان منازعه و لشکرکشی فرود می‌آید آن گاه تمام پل ها می‌شکند، نه انصاف می‌ماندو نه دین و نه آیین (قراگوزلو، ۱۳۸۳، ص. ۴۴)

چو لشکر برون تاخت خشم از کمین نه انصاف ماند نه تقوی نه دین (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۵۳)

تودد و اصالت دوستی در نگاه سعدی

از دیدگاه سعدی دوستی و محبت قوام ارتباط و یکپارچگی است و نظم سلسله ممکنات به این وسیله ممکن می‌گردد:

بدان که هم چنان که قدمای اهل حکمت تسریع کرده اند، قوام همه موجودات به محبت منوط، و انتظام

سلسله ممکنات به آن مربوط است. و هیچ دلی نیست که از لمعه محبت در آن نوری نه، و هیچ سری نیست که از نشئه آن در آن شوری نه، نشاط و رقص افلاک که از شور صبحای محبت است و مستی و بی هوشی مرکز خاک، از سکر باده مودت: «بسم الله مجریها و مرسیها»^۱. (نراقی، ۱۳۹۵، ص. ۶۰۱) هم چنانکه در بالا مذکور است و سعدی نیز در ذیل آورده است دوستی و محبت و مودت قوام ارتباط و یکپارچگی است و شیرازه دوستی است که سبب می شود دشمنان چشم طمع به یک جامعه ندوزند و متأثر از پیمان های دوستی و ارتباط حاصل از آن است که به صلح و آرامش می انجامد. در همین ارتباط این مسکویه معتقد است: انسان طبعاً مدنی است، پس در این صورت واجب باشد که تمام سعادت انسانی او نزد یارانش باشد و آن کس که تمام سعادت انسانی اش نزد غیر اوست، محال است که با وحدت و تنهایی به سعادت تامه خود برسد. (رازی، ۱۳۸۱، ص. ۱۹۹)

دوست نباشد به حقیقت که او دوست فراموش کند در بلا (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۱)
تو دوستی کن و از دیده میفکنم زهار که دشمن ز برای تو در زیانم انداخت (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۴۷)
در سال های جنگ صلیبی این اندیشه که انسان ها برادرند، و اینکه هرکس از درد و اندوه دیگران بی تاثیر باشد شایسته نام انسانیت نیست برای سعدی دلنواز بود. (زرین کوب ع.، ۱۳۸۳، ص. ۵۸)

آسیب شناسی صلح در پیام صلح خواهی سعدی
سعدی معتقد است که منشاء بسیاری از ردیلت های اخلاقی همانند شهوت، غضب، حرص، کینه و ... ریشه اختناق های اجتماعی است که می تواند سرنوشت اجتماعات را تغییر دهد. در همین خصوص امام محمد غزالی می گوید: پادشاه دل چون کار به اشارت وزیر عقل کند و شهوت و غضب را زیر دست و به فرمان عقل دارد و عقل را مسخر ایشان نگرداند کار مملکت تن راست بود و راه سعادت و رسیدن به حضرت الهیت بر وی بریده نشود و اگر عقل را اسیر شهوت و غضب گرداند مملکت ویران شود و پادشاه بدبخت گردد و هلاک شود. (غزالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۵)

وجود تو شهری است پرنیک و بد تو سلطان و دستور دانا خرد
رضا و ورع نیکنایان حر هوی و هوس رهزن و کیسه بر
تو را شهوت و حرص و کین و حسد چو خون در رگاند و جان در جسد
رئسی که دشمن سیاست نکرد از دست دشمن ریاست نکرد (سعدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۲)

خواجه نصیرالدین طوسی

صلح جهانی در نظرگاه خواجه

خواجه نصیرالدین طوسی همانند بسیاری از شعرا، عرفا و بزرگان اندیشه ایرانی صلح و امنیت را بیش از آنکه بیرونی بدانند، درونی یافته است و انسان را مظهر و مبدایی می داند که می تواند صلح و امنیت

ایجاد کنند و یا جهان را ناامن کند. خواجه تطهیر درون را اساس و پایه افعال بیرونی می‌داند. (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۲۵۲) و در این خصوص منابع ادراکی متعددی برای انسان قائل است: حس: حواس ظاهری را مبدأ اول ادراکات در علوم کلی و جزئی می‌داند، اگرچه به تنهایی افاده حکم کلی نمی‌کنند و نمی‌توانند علم آور باشند. عقل: عقل، قوه خاص انسانی است که مدرک کلیات است و در مقابل آن، ادراک جزئیات است که به وسیله حواس صورت می‌گیرد و مشترک بین انسان و حیوان است (طوسی خ. ۱۳۸۹، ص. ۳۷۳) (کشف المراد، ۱۳۸۸: ۲۶۵ - ۲۶۷) وحی: وحی، ابلاغ پیام الهی به وسیله مأموران الهی به انبیای الهی است و نبی کسی است که نفس قدسیه او حقایق معلومات و معقولات را از جوهر عقل اول قبول کرده است و رسالت آن، تبلیغ آن حقایق معلوم و معقول به افراد مستعد و تابع خود است (شریعت ۱۳۹۷: ۱۴۰)

خواجه ضمن پرداختن به مؤلفه‌هایی که می‌توانند سازه صلح را ایجاد و تقویت نمایند به مباحث ضد صلح و امنیت نیز پرداخته است: اهل شرّ، حرص و شهوت نکاح مواردی هستند که خواجه آنها را بر نفس انسانی و امنیت ذهنی انسان‌ها تأثیر گذار می‌داند که می‌توانند دارای بازتاب و عواقب بیرونی باشند و شخص و جامعه را تحت تأثیر قرار دهند. (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۱۵۵-۱۹۳) محقق طوسی همچنین برای مداوای دردهایی که در درون انسان است و می‌توانند جوامع انسانی و صلح درون و برون را تحت تأثیر قرار دهند راهکارهایی ارائه می‌دهد و تهذیب اخلاق، استقامت فکر، مکارم اخلاق و پرهیز از مغلوبیت عقل در مقابل شهوت را راه نجات از عوامل تهدیدزایی می‌داند که حاصل تلفیق آنها انواع ضلالت و گمراهی‌هایی است که انسان را با ناامنی روبرو می‌نماید که رستن از آن دشوار باشد. در این رابطه می‌گوید: اگر العباد بالله، این دو قوت بر عقل مستولی شوند، نور و صفاء نفس به ظلمت و ضلالت ایشان محجوب شود و شیطان میان ایشان عقد نکاح بندد و از ازدواج ایشان نتایج عکس حال وجود تولد کند چون جهل و جنون و نسیان و ریا و فسق و بخل و بد دلی و باطل و دروغ و شر و فساد و خطا و زلل و عداوت و بغض و مخالفت و خیانت و بی صبری و تهمت و بی شرمی و حقد و حرص و استبداد و اضرار و تکبر و خشم و تضریب و بهتان و عجب و غرور و لجاجت تعصب و حب مال و جاء و اهل و ولد و محمدت و ریاست و آنچه از لوازم این باشد. (طوسی م. ۱۳۹۳: ۸۴-۷۶) بدین ترتیب اساس صلح از نظر محقق طوسی تطهیر نفس و پاک نمودن درون از انواع ضلالت از الزامات ایجاد صلح درون و متعاقبا صلح برون است.

امنیت در جامعه، صلح درجهان

خواجه اعتقاد دارد که برای ایجاد صلح و امنیت در جامعه، عدالت زیرساخت و از مبانی آن می‌باشد: عدالت و مساوات مقتضی نظام مختلف اند، چنان که در موسیقی، هر نسبت که نه نسبت مساوات بود

به وجهی از وجوه انحلال راجع با نسبت مساوات شود، و الا از حد تناسب خارج افتد، در دیگر امور هر چه آن را نظامی بود به وجهی از وجوه، عدالت درو موجود بود، و الا مرجع آن با فساد و اختلال باشد. وعادل کسی بود که مناسبت و مساوات می دهد چیزهای نامتناسب و نامتساوی را ... به حقیقت واضع تساوی و عدالت ناموس الهی است، چه منبع وحدت اوست، تعالی ذکره. (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۱۳۱-۱۳۶)

از نظر خواجه فضایل انسانی چهار تا هستند که وجود و تمیز این فضایل می تواند به ارتقا نفسانی و تقویت قوه امنیت انسان در مقابل تهدیدات نفسانی بیانجامد: اول تهذیب قوت نظری و آن حکمت بود و دوم تهذیب قوت عملی و آن عدالت بود، و سیم از تهذیب قوت غضبی و آن شجاعت بود و چهارم از تهذیب قوت شهوت و آن عفت بود. حصول عدالت نیز موقوف بر حصول سه فضیلت دیگر می باشد. (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۷۰-۱۱۰) از دیگر مسائلی که از نظر خواجه برای ایجاد عدالت در جامعه ضروری است تطابق مجازات با جرم است: «منع جور به شرور و عقوبات باید کرد، و باید که عقوبات بر مقادیر مجور مقدر بود، چه اگر عقوبت از جور بیشتر بود به مقدار، جور باشد بر جائز، و اگر کمتر بود جور باشد بر مدینه، و باشد که زیادت نیز هم جور بود بر مدینه. (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۳۰۸) همچنین خواجه نگاه ویژه ای به احسان و نیکی کما این که احسان در حق سایر ملت ها نیز گسترش صلح در جهان را در پی دارد:

و چون [حاکم] از قوانین عدالت فارغ شود احسان کند با رعایا، که بعد از عدل هیچ فضیلت در امور ملک بزرگتر از احسان نبود. (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۳۰۸-۳۰۹). همچنین محبت از نظر خواجه اساس و از پایه های صلح و امنیت در اجتماع است:

اقسام محبت در نوع انسان دو گونه بود: یکی طبیعی و دیگر ارادی ... ممکن که شریعت اسلام، نماز جماعت را بر نماز تنها تفضل بدین علت نهاده باشد که تا چون در روزی پنج بار مردمان در یک موضع مجتمع شوند با یکدیگر مستأنس گردند، و اشتراک ایشان در عبادات و دیگر معاملات سبب تأکید آن استیناس شود، باشد که از درجه انس به درجه محبت رسد. (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۲۶۰-۲۷۰) از نظر خواجه شاخص های ذکر شده علاوه بر این که امنیت را در یک جامعه و در میان مردمان تحت حاکمیت یک دولت ایجاد می نماید سبب می گردد که صلح و دوستی و مدارا در میان ملل حاصل آید.

کارگزار صلح (حاکم حکیم)

از دیدگاه خواجه دولت منشا قدرت و نیروی فائقه ای است که در اجتماع که متشکل از افراد گوناگون و فرق مختلف است می تواند صلح و امنیت برقرار نماید. سه عنصر مهم از نگاه محقق طوسی در سیاست ورزی ناموس و حاکم و دینار می باشند و حفظ عدالت در میان خلق بی این سه چیز صورت نپندد. (طوسی

خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۲۵۲) خواجه در ادامه در تبیین جایگاه قانون می‌گوید ناموس آن است که جایگاه هر صنعت و حرفه ای، مشخص و مکتوب شده باشد تا در هنگام تعارض همه صاحبان صناعات و حرف به آن مراجعه کنند و ارتباط صنفی مردم در معاملات و معاوضات خود و رعایت عدالت در چنین ارتباطاتی از یک سو و مجبور بر شهوت و غضب بودن انسان از سویی دیگر، قانونی را می‌طلبند که به عدالت و انصاف بین آنان وضع شده باشد تا افراد با امنیت در کنار یکدیگر زندگی کنند و از یکدیگر در ضایع شدن حق و حقوقشان نترسند.^۱ (خواجه نصیرالدین، ۲۰۱۶: ۳۶۸) خواجه برای مقابله با دشمن و جلوگیری از شکل‌گیری توطئه علیه جامعه پیشنهاد می‌نماید که امنیت در دستور کار دولت قرار گیرد و از احوال دشمن غافل نباشد برای این منظور نیاز به سازکاری است که بتواند دشمنان صلح در جامعه را شناسایی نماید:

«باید که از احوال دشمنان متفحص بود و در تفتیش اخبار ایشان مستقصی، تا بر مکر و خدیعت ایشان واقف گردد و مانند آن فرا پیش گیرد و بدان بر انتقاض مساعی آن قوم ظفر یابد». (خواجه نصیرالدین ۲۰۱۶: ۳۳۶) از نظر محقق طوسی برای گسترش صلح و مدارا حاکم باید دارای هفت خصلت زیر باشد: ابوت (پدري) - علوهت - متانت رای - عزمت تمام (تصمیم قطعی) یا عزم الرجال - صبر بر مقاسات^۲ شداید^۳ - یسار^۴ و اعوان صالح^۵ (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۳۰۱-۳۰۲) همچنین کارویژه های دولت از نظر ایشان عبارتند از: امنیت - سکون (ثبات فکری و شخصیتی و آرامش خاطر) - مودت - عدل - عفاف (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۳۰۱)

مدینه فاضله، پارادایم صلح جهانی

در دیدگاه خواجه نصیر الدین طوسی و مکتب امنیتی او مدینه فاضله جایگاه ویژه ای دارد و مدل تعالی انسان در قالب مدینه فاضله طراحی شده است به نحوی که زمینه شکوفایی انسان ها شکل می‌گیرد و در اثر آن امنیت عمومی و جمعی و صلح پایدار حاصل می‌شود: اهل مدینه فاضله اگر چه مختلف باشند، در اقصای عالم بحقیقت متفق باشند، چه دل های ایشان با یکدیگر راست بود، و به محبت یکدیگر متحلی باشند، و مانند یک شخص باشند در تألف و تودد، چنان که شارع، علیه السلام گوید: "المسلون ید واحده علی من سواهم". از نظر محقق طوسی تأثیرگذاران اصلی در ایجاد صلح و امنیت در جامعه صنوف زیر می‌باشد: افاضل، ذوی الالسنه، مقدران، مجاهدان و مالیان: اول جماعتی که به تدبیر مدینه موسوم باشند (افاضل). دوم جماعتی که عوام و فروتران را به مراتب کمال اضافی می‌رسانند. (ذوی الالسنه). سیم جماعتی که قوانین عدالت در میان اهل مدینه نگاه می‌دارند (مقدران). چهارم جماعتی که به حفظ حریم

۱. «... و اذا كانوا مجبولين على الشهوة والغضب فلا بد من قانون بينهم مبني على العدل والانصاف حتى لا يخيف بعضهم على بعض».

۲. رنج بردن

۳. رنج چیزی را کشیدن

۴. ثروت

۵. یاران یک دل

و حمایت بیضه^۱ اهل مدینه موسوم باشند (مجاهدان) پنجم جماعتی که اقوات و ارزاق این اصناف ترتیب می‌سازند. (مالیان). (اصحاب سنت). (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۲۸۴-۲۸۷)

صلح و امنیت اجتماعی از نظر خواجه^۲

خواجه برای ایجاد بستری که امنیت و صلح پایدار در جامعه تضمین گردد مجازات مراتبی در نظر گرفته است که البته حفظ حرمت انسانی در مجازات متخلف نیز مدنظر او است:

«ازالت شر را مراتب بود یکی حبس، و آن منع بود از مخالطت با اهل مدینه، و دوم قید و آن منع بود از تصرفات بدنی؛ و سیم نفی، و آن منع بود از دخول در تمدن. (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۲۵۶-۳۰۸)

محقق طوسی همگام با ارائه راه حل های فرهنگی و از جمله آموزش مستمر مردم برای امنیت زایی و صلح طلبی و صلح جویی، در خصوص کسانی که پایه های اجتماع را هدف قرار می‌دهند و امنیت را به خطر می‌اندازند تدابیر سختگیرانه ای را در نظر می‌گیرند: «در دفع متعديان و امن راه ها و حفظ ثغور و اکرام اهل باس (دلیر در جنگ) و شجاعت تقصیر جایز ندارد» و همچنین برای رستن از ناامنی و ایجاد صلح خواجه الزاماً اعتقاد به کاربرد زور و لشکریان ندارد: «فکر از تدبیر امور یک لحظه معطل نگرداند، چه قوت فکر ملک در حراست ملک بلیغ تراز قوت لشکر های عظیم باشد، جهل به مبادی موجب وخامت عواقب بود». محقق طوسی هرج و مرج در جامعه که نظام و حاکمیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب وهن صلح خواهی مردم می‌گردد را مدلل می‌کند: «و اگر به تمتع و التذاذ مشغول گردد و اغفال این امور کند خلل و وهن به کار مدینه راه یابد، و اوضاع در بدل افتد و در شهوات مرخص شوند، و اسباب آن مساعدت کند تا سعادت شقاوت شود و ایستلاف (با یکدیگر الفت و انس داشتن) تباغض (بغض با یکدیگر داشتن) و، نظام هرج، و اوضاع الهی خلل پذیرد و به استیناف (تجدید نظر) تدبیر و طلب امام حق و ملک عادل احتیاج افتد، و اهل این قرن از افنای خیرات معطل مانند؛ و این جمله تبعه سوء تدبیر یک تن باشد». (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۳۰۹)

نقش جنگ در سپهر امنیت و صلح جویی خواجه

جنگ در چارچوب الگوی امنیتی و صلح جویی خواجه، در مطلع راهکارها نیست بلکه ایجاد مودت و دوستی، حفظ ارتباط، توسعه

دیپلماسی و ... پیش از جنگ مورد تأکید می‌باشند: «و باید که در استمالت اعدا و طلب موافقت از ایشان با قصی الغایه بکوشد و تا ممکن باشد چنان سازد که به مقاتلت و محاربت محتاج نگردد». جنگ به عنوان آخرین راهکار و با در نظر گرفتن کلیه تدابیر برای کاهش عوارض ناشی از آن و در راستای مقابله با عوامل فساد و فتنه که ضد صلح و امنیت هستند بکار گرفته می‌شود و در شرایطی که جنگ به یک

۱. پایه - شالوده - اصل

۲. جامعه ناامن از نظر خواجه: «اعتقاد اهل آن مذهب موافق اعتقاد اهل مدینه فاضله نبود و در افعال مخالف ایشان باشند. خیرات دانند، اما بدان تمسک نمایند و به هوا و ارادت به افعال جاهلیت میل کنند» (طوسی خ. ن. ۱۳۶۹، ص. ۳۰۳)

الزام تبدیل شود خواجه استفاده از ابزارهای ساده و سلاح‌های غیرکشنده و با دوراندیشی کامل جنگ اطلاعاتی را توصیه می‌کند و بکارگیری جواسیس و هوشیاری کامل برای اطلاع از دشمنان و حرکات آنها را ضروری می‌داند و میان جنگ ابتدایی و جنگ دفاعی نیز فرق قائل است: «و اگر احتیاج افتد حال از دو نوع خالی نبود: یا بادی بود یا دافع؛ اگر بادی بود اول باید که غرض او جز خیر محض و طلب دین نباشد و از التماس تفوق و تغلب احتراز کند، و بعد از وثوق به ظفر، و با حشمتی که متفق الکلمه نباشند البته به حرب نشود، چه در میان دو دشمن رفتار مخاطره عظیم بود، و ملک تا تواند به نفس خود محاربت نکند که اگر شکسته آید آن را تدارک نتواند کرد، و اگر ظفریابد از قصوری که به وقع وهیبت و رونق ملک راه یابد خالی نماند».

یافته های تحقیق

از ویژگی تقسیم بندی که از ادراکات خواجه بدست آمده این است که مراحل مختلفی از صلح قابل استنباط است و با عنایت به شرایط عصر وی و همچنین گرایش تحقیقی خواجه علاوه بر صلح درون صلح در جامعه و جهان با همه شرایط آن و با شاخص هایی که امکان تحقق صلح را می دهد قابل تبیین می باشد. براین اساس شاخص و مدخل هایی که شیخ طوسی برای مفاهیم مذکور بیان کرده است به شرح جدول ذیل می باشند:

فیلسوف	مفاهیم/مؤلفه	شرح مفاهیم/مؤلفه
خواجه نصیرالدین طوسی	صلح درونی	تطهیر نفس* بهره گیری از قوه عقل و حدس* تأمل بسیار* وحی و الهام معرفت حقایق= (نهایت مدارج نوع انسانی)* قوه ادراک معقولات (تمکن از تمییز و رویت جمیل از قبیح و مذموم از محمود و انقسام آنها به: خیر و شر و حسن و قبیح)
	فضایل انسانی ارتقا دهنده نفس و تقویت قوه امنیت انسان	تهذیب قوت نظری: حکمت* تهذیب قوت عملی: عدالت* تهذیب قوت غضبی: شجاعت* تهذیب قوت شهوت: عفت* حصول عدالت موقوف بود بر حصول سه فضیلت دیگر
	منابع ادراکی انسان برای صلح درون	- حس، - عقل، وحی

فیلسوف	مفاهیم/مؤلفه	شرح مفاهیم/مؤلفه
	مؤلفه های ضد صلح (ظلمت و ضلالت نفس)	اهل شرّ حرص شهوت نکاح جہل و جنون نسیان ریا فسق بخل بد دلی دروغ شر فساد خطا زلل و عداوت بغض مخالفت خیانت و بی صبری تہتک و بی شرمی حقد و حرص استبداد اضرار تکبر خشم تضریب و بہتان عجب و غرور لجاجت تعصب حب مال و جائ و اهل و ولد و محمّدت و ریاست
		تأثیر جلیس * تأثیر خلیط * اختلاط اهل شرّ و نقص * تہذیب اخلاق * استقامت فکر * مکارم اخلاق پرهیز از مغلوبیت عقل در مقابل شهوت
	عدالت	ناموس الہی * حاکم انسانی * دینار (اقتصاد) * تطابق مجازات با جرم * عدم استقرار مواضع اشیاء دون شأن * تمازج و تسالم سه قوه: قوت ناطقہ (نفس ملکی) کہ مبدا فکر و تمیز و شوق نظر در حقایق امور است دوم قوت غضبی (نفس سّعی) کہ مبدا غضب و دلیری و اقدام بر اھوال و شوق تسلط و ترّق و مزید جاہ است سیم قوت شہوانی (نفس بہیمی) کہ مبدا شهوت و طلب غذا و شوق التذاذ بہ مآکل و مشارب و مناکح است.
	اصول صلح پروری	احسان - خیرات زیادت بر مقدار واجب کہ مقارن ہیبت بود (چہ قرّ و بہای ملک از ہیبت باشد) - استمالت دلہا بہ احسانی حاصل آید کہ بعد از ہیبت استعمال کنند - احسان بی ہیبت موجب بَطَر زیر دستان و تجاسر ایشان و زیادتِ حرص و طمع گردد
	محبت	محبت طبیعی * - محبت ارادی

اساس صلح سعدی مبتنی برای مدارا است و رسیدن به مطلوب بایستی صلح با همه سطوح مورد توجه قرار گیرد ازجمله: صلح با مردم، صلح با دشمن و صلح با خدا است. از دیدگاه سعدی اساس صلح مبتنی بر دوستی و مودت در جامعه است و اگر صلح محقق شود زمینه نشو و نمای جامعه فراهم می گردد و آثار خشونت از رخ و رخسار جامعه زدوده می گردد و برای رسیدن به این مطلوب حتی در مقابله با دشمن باید راه اعتدال و احسان در پیش گرفت و در پیکار و ستیز با دشمن نیز باید راه مسالمت و صلح پیشه کرد که اگرچنین نباشد فرهنگ جنگیدن با فرهنگ صلح فاصله خواهد داشت و پیکار و ستیز برای خشونت خواهد بود و نه ایجاد صلح و آرامش در جامعه. در این خصوص نگاه صلح کلی است و آنچه را در نظر دارد جامعه انسانی است که در جغرافیای خاصی نمی گنجد و ابنای بشر را در نظر دارد نه قوم و فرقه

خاصی. مدارا و تساهل و تسامح حتی با دشمنان از ویژگی‌های منحصر به فرد رویکرد موسع است که می‌تواند محل تمایز آن با ادبیات سایر ملل باشد. در حقیقت نگاه جامع به انسانیت از زیرساخت‌هایی که صلح جامع و صلح کل را برای جوامع انسانی به ارمغان می‌آورد. مکمل این دیدگاه عشقی است که در سراسر ادبیات فارسی به ویژه در نگاه سعدی وجود دارد و در حقیقت می‌تواند صلح را به عنوان یک سازه انسانی و یک زیرساخت برای توسعه انسانی به همراه داشته باشد. این رویکرد از درون انسان شروع می‌شود و در ادامه تمام ساحت جامعه را در بر می‌گیرد و زمینه ساز جامعه‌ای است که مراحل رشد فراگیر انسان را به همراه دارد.

در جدول زیر مفاهیم و مؤلفه‌های صلح از دیدگاه سعدی و شاخص‌های استخراج شده از این مفاهیم تبیین شده اند:

شاعر	مفاهیم/مؤلفه	شاخص‌ها
سعدی	مؤلفه‌های ضد صلح	صلح با رعیت، صلح با دشمن، صلح با مردم، صلح با خدا باندبیر دشمن را به چنگ آوردن با احسان دشمن را دوست کردن در پیکار راه آشتی را برگزیدن جنگیدن دور از فرهنگ می‌باشد صلح طلبی اساس و پایه دوستی و مودت در جامعه است
		پیروی از هوا و هوس، پیروی از نفس اماره، خشم و شهوت، حرص، کین، آزار
	اصول صلح پروری	مدارا
		نیکي
		دوستی
		عشق
		وفای به عهد
		بخشنده‌گی
		عفو و گذشت

شاعر	مفاهیم/مؤلفه	شاخص‌ها
	مبارزه با نفس	منشأ رذیلت‌های اخلاقی: شهوت، غضب، حرص، کینه، غرور و... فرمانروایی برابری رذیلت‌ها موجب سعادت فرد و در نهایت جامعه می‌گردد و اسارات در دست این قوا موجب ویرانی مملکت تن و در نهایت جامعه می‌گردد.
	ویژگی حاکم صلح‌پرور	وظیفه در برابر خدا: تقوا و همطرازی دین و سیاست * تربیت اخلاقی * احترام به پیشوای هر ملت * تدبیر و دور اندیشی * مشورت با مدیران با صلاحیت * رازداری * دوراندیشی، عدالت در برخورد بازیردستان * احتیاط و هوشیاری * دیپلماسی * مجازات اخلاک‌گران * اشراف اطلاعاتی * امنیت در هنگام جنگ * تدبیر صحنه جنگ * رعیت‌پروری * شناخت افراد سپاه * ملاطفت با لشکریان * وظیفه در برابر دشمنان * دشمن شناسی * مراقبت از مرزها

نتیجه:

خواجه نصیرالدین طوسی صلح ذهنی و عینی را مورد توجه قرار داده است و در تبیین صلح ذهنی به شاخص‌هایی مانند قوه عاقله، تهذیب نفس، ادراک معقولات، استقامت فکر و مکارم اخلاق اشاره می‌نماید و باور براین دارد که صلح ذهنی زیرساخت صلح بیرونی است. سعدی نیز صلح را در دو مقیاس حداقلی و حداکثری مورد توجه قرار داده است اگر چه گرایش او به صلح حداکثری است و صلح پایدار از آن استنباط می‌گردد نمونه شاخص‌هایی که صلح حداقلی را مورد توجه قرار می‌دهد شامل حفظ دائمی آمادگی رزمی، تفرقه در صفوف دشمن و مبارزه زود هنگام می‌باشد و در این زمینه ترک محاصره و نبود جنگ مورد نظر است. امادر صلح حداکثری شاخص‌هایی مانند ترجیح فرهنگ بر جنگ، باتدبیر دشمن را به چنگ آوردن، با احسان دشمن را دوست کردن، در پیکار راه آشتی را برگزیدن، در جامعه دوستی و مودت اساس صلح طلبی قرار گرفتن، و... مورد توجه است.

پایه‌های اساسی صلح بیرونی خواجه مبتنی بر حکمت عملی است که شامل: سیاست در منزل و جامعه و تدبیر امور و همچنین گرایش به اقدامات تسامحی و اصل مدارا با دشمن و کشورها و جوامع مختلف را تبیین نموده است. در رویکرد سعدی همانند خواجه حکمت عملی مورد توجه قرار گرفته است و صلح خواهی او از درون فرد آغاز میشود که سبب می‌گردد انسان‌ها جامعه و جهان را برای اجرای آنچه در درون آنها به کمال رسیده است در قالب حکمت عملی به منصفه ظهور برسانند.

نگاه جهان‌گرای سعدی و محقق طوسی به صلح، توسعه صلح از ذهنی به عینی و حداکثری است که این رویکرد در قالب مرزهای ملی محصور نمی‌ماند و آموزه‌های مبتنی بر حکمت عملی آنان اندیشه صلح خواهانه سایر مذاهب الهی و حتی مادی را پوشش می‌دهد و زیر ساخت توسعه صلح، امنیت مبتنی بر عدالت و فرهنگ دوستی و احسان می‌باشد که اصول مدارا و تساهل موجب پذیرش عمومی آن در نزد

مردم و فرق مختلف می‌گردد. بر این اساس برای تحقق فرهنگ صلح خواهی پیشنهاد می‌گردد:

- نظر به تأثیر ادیان در صلح خواهی انسان‌ها و متأثر بودن محقق طوسی و سعدی از مکتب اسلام، تلاش برای تقریب مذاهب و ادیان در تحدید کردن صلح در جهان مؤثر می‌باشد.
- رویکرد صلح جویی سعدی و خواجه مبتنی بر صلح درونی یا ذهنی و سپس صلح برونی و صلح کل می‌باشد لذا تحقق صلح جهانی نیز بایستی براساس صلح فردی، اجتماعی و صلح جهانی برنامه ریزی گردد.
- تأثیر نگاه صلح گرایانه افراد بر توسعه صلح و آغاز صلح گرایی جهانی از صلح فردی اقتضا می‌نماید که صلح گرایی با آموزش (که بسیار مورد تأکید شیخ طوسی است) از مدارس آغاز گردد و نگاه صلح جویی در دوران تحصیل به افراد جامعه آموزش داده شود.
- پرهیز از خشونت، نزاع و توهین به دیگران مغایر با اصول صلح پروری است لذا برای تحقق صلح جهانی احترام به فرهنگ ملل مورد تأکید و توصیه سعدی و خواجه است.

منابع

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۸۵). "حکمت عملی در بوستان" (سعدی شناسی) دفتر هشتم. به کوشش کوروش کمال سروستانی. شیراز: مرکز سعدی شناسی
- امیر محلاتی، محمد جعفر. (۱۳۹۷). "صلح در سپهر اندیشه سعدی" (نشریه سعدی شناسی). شماره ۲۳ از ۵۰ تا ۶۱
- انصاری لاری، محمد ابراهیم. (۱۳۸۱). "سعدی و حکومت" (سعدی شناسی دفتر پنجم. به کوشش کوروش کمال سروستانی. شیراز: مرکز سعدی شناسی
- انصاری لاری، محمد ابراهیم. (۱۳۸۳). "عشق سعدی"، (سعدی شناسی دفتر هفتم). به کوشش کوروش کمال سروستانی. شیراز: مرکز سعدی شناسی
- باقری، بهادر. (۱۳۹۶). "سعدی و دنیای امروز" (نشریه سعدی شناسی. شماره ۲۲ از ۱۴۹ تا ۱۸۲ جعفری ولنی، ع. (۱۳۹۳). "حکومت حکیم شرط تحقق صلح". مجموعه مقالات منتخب هیجدهمین همایش حکیم ملاصدرا فلسفه و صلح جهانی.
- جویباری، ع (۱۳۸۹). "فرهنگ همزیستی مسالمت آمیز با ملل دنیا در آیین اندیشه سعدی" بهارستان سخن
- قاسمی، حاکم، رضائی، ملیحه. (۱۳۹۱). "جهان گرایی در اندیشه و آثار سعدی" (نشریه مطالعات ملی. شماره ۵۰ از ۲۷ تا ۵۰
- قراگوزلو، محمد. (۱۳۷۹). "گفتمان حقوق انسانی در گلستان سعدی". (سعدی شناسی دفتر سوم) به کوشش کوروش کمال سروستانی. شیراز: مرکز سعدی شناسی
- قراگوزلو، محمد. (۱۳۸۳). "جنگ و صلح از مزغل سعدی". (سعدی شناسی دفتر هفتم) به کوشش کوروش کمال سروستانی. شیراز: مرکز سعدی شناسی
- دادبه، اصغر. (۱۳۸۴). "بوستان" (سعدی شناسی دفتر هشتم) به کوشش کوروش کمال سروستانی. شیراز: مرکز سعدی شناسی
- دادبه، اصغر. (۱۳۸۹). "نظریه سعدی و کم آزاری" (سعدی شناسی) دفتر سیزدهم
- سلیمانی، فرانک. (۱۳۸۸). «جلوه های صلح و بشر دوستی در اشعار مولانا، حافظ و سعدی»، همدان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
- کتابی، احمد. (۱۳۹۰). "پیوند ادب و سیاست: جاوه های مدارا در آثار سعدی" (نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی). شماره ۲۸۶ صص ۱۶۴ تا ۱۸۷
- مدامی، روح الله، نجفی افرا، مهدی. (۱۳۹۸). "نسبت و مناسبات، حکمت و صلح از دیدگاه خواجه

- نصیر فیلسوف شیعه". (پژوهشنامه امامیه. شماره ۹. صص ۵ تا ۲۶)
- ملکیان، مصطفی. (۱۳۹۷). "صلح درون از نظر گاه مولانا". (مهر مولانا). تهران
- میر کوشش، امیر هوشنگ. نوری صفا، شهرزاد. (۱۳۹۲). "هستی شناسی صلح بین الملل در بستر فرهنگ مدارا و صلح ایرانی". (فصلنامه راهبرد سال بیست و دوم. شماره ۶۸. صص ۷-۳۲)
- نوبین، حسین، مراد گنجی، نرگس. (۱۳۹۳). "دعوت به وحدت و صلح دوستی در ادبیات عرفانی". (نشریه پژوهشنامه عرفان). بهار و تابستان شماره ۱۰. صص ۱۰۷ تا ۱۳۴
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۵۰). "دنیای مطلوب سعدی" (مقالاتی در مورد زندگی و شعر سعدی) به کوشش منصور رستگار. چاپ سوم دانشگاه پهلوی
- بوتول، گاستون. (۱۳۸۸). جامعه شناسی صلح. ترجمه فرخجسته، هوشنگ. چاپ اول. تهران: جامعه شناسان
- رابتسون، رونالد. (۱۳۸۵). جهانی شدن (تنوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی). ترجمه: پولادی، کمال چاپ سوم. تهران: نشر ثالث.
- رازی، ابن مسکویه (۱۳۸۱). تہذیب الاخلاق. ع. حلبی. چاپ اول. تهران: انتشارات اساطیر
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). جستجو در تصوف ایران. چاپ ششم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- (۱۳۸۳) حدیث خوش سعدی. چاپ سوم. تهران: انتشارات سخن
- سعدی. (۱۳۷۹). کلیات سعدی. مقدمه فروغی. تهران: انتشارات طلوع.
- سعدی. (۱۳۹۶). بوستان. مقدمه فروغی، محمد علی. چاپ اول. قم: انتشارات هم میهن
- سعدی. (۱۳۹۶). غزلیات سعدی مقدمه فروغی، محمد علی. چاپ اول. قم: انتشارات هم میهن
- سعدی. (۱۳۹۶). گلستان. مقدمه فروغی، محمد علی. چاپ اول. قم: انتشارات هم میهن
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۳). امنیت در قرآن و سنت. چاپ اول. قم: انتشارات زمزم هدایت
- طوسی، خواجه نصیر. (۱۳۸۹) اساس الاقتباس. مصحح: عزیززاده، عزیززاده. چاپ اول. تهران: انتشارات فردوس.
- طوسی، خواجه نصیر (۱۳۶۹). اخلاق ناصری. تصحیح: مینوی، حیدری. چاپ چهارم. تهران: انتشارات خوارزمی
- غزالی، امام محمد. (۱۳۷۱). کیمیای سعادت. تصحیح: آرام، احمد. چاپ دوم. تهران: انتشارات گنجینه
- گارنت، جان سی. (۱۳۸۷) عقل سلیم و نظریه سیاست بین الملل. ترجمه: نوروزی، نورمحمد. چاپ اول. تهران: انتشارات گام نو
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). جهان رها شده. ترجمه: سعیدی، علی اصغر. حاجی عبدالوهاب، یوسف.

چاپ دوم. تهران: انتشارات علم و ادب

موسوی کاشمیری، مهدی. (۱۳۸۸). دولت اسلامی و امنیت. قم: دبیر خانه مجلس خبرگان رهبری.

نراقی، ملا احمد. (۱۳۹۵). معراج السعاده. چاپ اول. قم: نشرآبانه

شریعت، جهانگیر. (۱۳۹۷) «تدوین الگوی امنیت از دیدگاه فلسفه اسلامی». پایان نامه دکتری.

دانشگاه عالی دفاع ملی